



نقد و بررسی ماده (۲۴)

قانون اصلاح مجازات

با مواد مخدر

مصوب ۱۳۷۶

فاطمه دهدارزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

امروزه پدیده‌ی مواد مخدر به صورت مشکلی بزرگ برای بسیاری از کشورها در آمده و سردمداران این کشورها را به چاره‌جویی در برخورد با این مشکل پیچیده واداشته و سبب گردیده که در کنار انواع پاسخ‌های کیفری، مدنی، انضباطی و... به پدیده‌های مواد مخدر به جنبه‌های پیشگیرانه نیز توجه گردد. قانون‌گذار ما نیز در این راستا با تصویب ماده (۲۴) قانون اصلاح مجازات با مواد مخدر، مصوب ۱۳۷۶ و مکلف کردن شورای اسلامی روستا، مأمورین شهرداری، نیروی انتظامی و بسیج به اعلام کشت فشفاش کوکا و شاهدانه به ممض اطلاع توجه خود را بر پیشگیری معطوف کرده است. بر این ماده اشکالات متعددی وارد است که مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا ضمن بررسی این ایرادات، پیشنهادات لازم را ارائه دهد.

کلیدواژه: شورای اسلامی روستا، دست‌نخورده بودن اشکالات، مواد مخدر، مجازات

واژگان کلیدی:

در زمینه مجازات با پدیده مواد مخدر و اعتیاد پیش‌بینی مجازات‌ها و ضمانت‌اجراهای شدید می‌تواند به عنوان یک راهکار ارائه شود. اما ناکامی مجازات‌های سنگین در مهار و یا کاهش این پدیده سبب شده قانون‌گذار و دولت مردان توجه خود را به جای ضمانت

اجراهای کیفری بر جنبه‌های پیشگیرانه برای رویارویی با این پدیده معطوف کنند. در یک سیاست جنایی مؤثر و کارآمد ضمن توجه به انواع پاسخ‌های واکنشی به پاسخ‌های کنشی قبل از ارتکاب جرم هم توجه می‌شود. سیاست جنایی عبارت است از مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی که هیأت اجتماع با استفاده از آن،

پاسخ‌های متنوع به پدیده‌های مجرمانه را سامان می‌بخشد.^(۱) در واقع هدف غایی سیاست جنایی کاستن بار نظام عدالت کیفری و حقوق جزا و توزیع وظیفه سرکوبی و پیشگیری از پدیده مجرمانه بین نظام‌های حقوقی دیگر و نیز مردم است.^(۲) بدین ترتیب برای داشتن یک سیاست جنایی

اثر گذار در مبارزه با این معضل، بایستی علاوه بر اعمال کیفر که توسط حاکمیت صورت می گیرد به پیشگیری قبل از وقوع جرم و مشارکت مردم نیز توجه کرد.

شورای اسلامی روستا و شهر نمونه بارز نهاد مدنی است که می تواند در این مسیر یاری دهنده دستگاه قضایی باشد. قانون گذار با تصویب ماده (۲۴) «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» مصوب ۱۳۷۶ در همین راستا گام برداشته است: «هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش و یا کوکا و یا «شاهدانه» در حوزه روستا مراتب را کتباً به دهمدار و نزدیک ترین پاسگاه حوزه انتظامی اطلاع دهد.

فرماندهان پاسگاه ها و حوزه های انتظامی موظفند «فوراً» و «همزمان» با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به اتفاق دهمدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحا و صورت جلسه ای امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی تحویل نمایند. تبصره: در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه های شهری «کشت» یا «رویده» شده باشند، مأمورین نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی انتظامی مقاومت بسیج منطقه حسب مورد موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیک ترین پاسگاه انتظامی و یا پاسگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسئولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضایی ذیصلاح و طبق مقررات این ماده اقدام نمایند».

ایرادات متعددی بر این ماده وارد است؛ بی دقتی قانون گذار در وضع ماده ای که می تواند نقش بسیار مهمی در جهت مشارکت جامعه مدنی در رویارویی با مواد مخدر و نیز پیشگیری ایفا نماید؛ زیرا ممکن است تفاسیر گوناگون و برداشت های مغایر با منظور قانون گذار را سبب گردد. در این مقاله سعی شده ضمن نقد و بررسی



موارد تأکید شده راهکارهای لازم در جهت رفع مشکلات ماده مزبور ارائه گردد.

تجارت مواد مخدر سود سرشاری را به دنبال داشته و افراد بسیاری را وسوسه می نماید تا



سیاست جنایی عبارت است

از مجموعه شیوه ها و روش هایی که

هیأت اجتماع با استفاده از آن،

پاسخ های متنوع به پدیده های

مجرمانه را سامان می بخشد.

در گیر این تجارت شوم شوند. هم چنین سوء مصرف مواد مخدر اثرات ناگواری بر خود شخص و منافع جامعه می گذارد.

کشورها برای مقابله با قاچاق مواد مخدر به اقدامات شدید قضایی، انتظامی و ... متوسل گردیده و عاملان قاچاق را با مجازات های سنگین همانند حبس های طولانی مدت و حتی اعدام مواجه می سازند.^(۳) قانون گذار کشور مادر «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» به پاسخ های شدید کیفری در برابر این جرم متوسل شده ولی در موادی مانند (۳۳) و (۲۴) به هدف پیشگیری نیز توجه نموده است.

اینک به بررسی ماده (۲۴) می پردازیم:

۱-۱ «کشت»: این واژه در لغت به معنای کاشتن، آمده است. کشت کردن به معنای زراعت کردن است.^(۴) با این معنا آیا کشت، برداشت را هم در برمی گیرد یا خیر؟ اگر زمان کشت به پایان رسیده و محصول برداشت شده باشد این جا در واقع آگاهی از برداشت است نه از کشت همان طور که ماده (۴) «لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی و اشتغال به کار معتادان» مصوب ۵۹/۳/۱۹ کدخدای محل را مکلف کرده در صورت اطلاع از کشت، قبل یا بعد و یا در موقع برداشت محصول، مراتب را به مقامات ذیربط ماده (۴) اطلاع دهد؛ حال چرا قانون گذار در ماده (۲۴) فقط کشت را ذکر کرده است؟ به نظر می رسد کشت اصطلاحی است که برداشت را هم در بر می گیرد و آگاهی از برداشت لزوماً آگاهی از کشت را هم دنبال دارد. با این تفسیر ایراد وارده را می توان برطرف کرد و گفت اعضای شورای اسلامی مکلفند حتی اگر در زمان برداشت محصول و یا پس از آن، از وجود مواد مخدر مطلع شدند مراتب را اعلام نمایند لذا بهتر است قانون گذار در قانون سال ۷۶ مانند لایحه قانون سال ۵۹ در جهت جلوگیری از تفاسیر نادرست لغت برداشت را در کنار واژه کشت ذکر کرده و قید «بعد از برداشت» را حتماً در ساد به بگذارد.

۲-۱ شاهدانه: در «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» هر جا صحبت از شاهدانه شده کشت آن را مقید کرده به این صفت که به منظور تولید مواد مخدر باشد. بدین خاطر که شاهدانه مصرف مباح و جایز هم دارد. عدم ذکر این قید توسط قانون گذار در ماده (۲۴) دو علت می تواند داشته باشد:

۱- اول این که تشخیص این امر که شاهدانه برای تولید ماده مخدر هست یا نه در حیطه اختیارات اعضای شورا نیست و این افراد بایستی به محض اطلاع از کشت شاهدانه مراتب را اعلام نماید. در این فرض سؤال این است که تشخیص این مسئله به عهده کیست.

ماده در این زمینه ساکت است و صرفاً بیان می دارد که به محض اعلام اعضای شورا، فرماندهان پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی موظفند فوراً و هم‌زمان با گزارش موضوع به مقام بالاتر کشت را امحا نمایند. این سبب خواهد شد که کشت شاهدانه برای مصارف مباح در معرض خطر قرار بگیرد.

۲- با توجه به دو مورد قبلی یعنی خشخاش و کوکا که از آن‌ها مواد مخدر به دست می آید و با توجه به عنوان قانون که «مبارزه با مواد مخدر» است، می توان بیان داشت اگر چه شاهدانه به صورت مطلق ذکر شده، اما منظور قانون گذار همان کشت شاهدانه برای تولید مواد مخدر می باشد.

ضمن این که هر کجا شاهدانه بیان گردیده مشروط به این شده است که بایستی برای تولید مواد مخدر باشد و ممکن است عدم ذکر آن در ماده (۲۴) ناشی از مسامحه قانون گذار باشد. البته همان گونه که عنوان گردید مشکل اساسی این است که چه کسی و یا چه مرجعی دارای صلاحیت برای تشخیص این امر می باشد که ماده (۲۴) به این پرسش پاسخ نداده است.

شایسته بود که قانون گذار در این ماده کشت خشخاش را مقید به تولید مواد مخدر می نمود؛ ضمن این که می بایست مقام یا مرجع ذیصلاحی را برای روشن کردن این مورد پیش بینی می کرد.

در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در موزه‌های شهری «کشت» یا «روئیده» شده باشند، مأمورین نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی انتظامی مقاومت بسیج منطقه مسب مورد مؤظفند به ممض آگاهی مراتب را به نزدیک ترین پاسگاه انتظامی و یا پاسگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسئولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضایی ذیصلاح و طبق مقررات این ماده اقدام نمایند

۳-۱ واژه کتباً: این که قانون گذار اعضای شورا را مکلف نموده که در صورت اطلاع از کشت خشخاش و یا کوکا و یا شاهدانه مراتب را کتباً اعلام نمایند، ممکن است در جهت رعایت تشریفات اداری بوده یا این که بعداً اعضای شورا بر خلاف واقع مدعی نشوند که مراتب را به مقامات ذیربط اعلام کرده اند و یا دهمدار و یا نیروی انتظامی مدعی عدم اعلام شورا نشوند. اما تکلیف اعضای شورای اسلامی شهر به اطلاع کتبی می تواند سبب ایجاد وقفه و تأخیر در فرآیند شروع به تعقیب و انجام تحقیقات لازم گردد و ممکن است در این فاصله افراد اقدام به امحا و اخفای کشت نمایند.

بنابراین بهتر است که قانون گذار در این ماده پیش بینی کند اعضای شورا قبل از اعلام کتبی مراتب را شفاهاً به مقامات و مراجع ذیربط در ماده (۲۴) اطلاع دهند.

۴-۱ واژه دهمدار: این ماده هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا را موظف کرده در صورت اطلاع از مواد مخدر مذکور در ماده (۲۴) مراتب را کتباً به دهمدار و ... اطلاع دهد. نکته قابل توجه این است که روستا توسط دهمدار اداره می شود و طبق بند «م» ماده (۶۸) «قانون شوراهای مصوب

۱۳۷۵ دهمدار توسط شورای اسلامی روستا برای مدت ۴ سال انتخاب و به بخشدار جهت صدور حکم معرفی می گردد. دهستان توسط دهمدار اداره می شود که کوچک ترین واحد تقسیمات کشوری است و از به هم پیوستن چند روستا^(۵) مکان^(۶) و مزرعه^(۷) همجوار تشکیل می شود.^(۸) پس چگونه شورای اسلامی روستا بایستی به دهمدار اطلاع دهد در حالی که دهمدار در رأس یک روستا است نه دهمدار^(۹) و شاید بتوان این گونه استدلال کرد از آن جایی که دهمدار در رأس دهستان است و در واقع بر روستاهای محدوده خود نظارت دارد اعضای شورا مکلف به اعلام مراتب به دهمدار شده‌اند. حتی اگر این استدلال پذیرفته شود در این صورت مراتب کشف مواد مخدر باید به دهمدار به عنوان فردی که روستا زیر نظر او اداره می شود و بایستی همه اتفاقات رخ داده در روستا به اطلاع او برسد نیز اعلام گردد.

۵-۱ حرف (و): طبق قانون پیش گفته، مراتب بایستی به دهمدار و نزدیک ترین پاسگاه انتظامی اعلام گردد. پس به دو مرجع بایستی اطلاع داده شود و اگر صرفاً به یکی خبر داده شود در این صورت اشخاص موضوع این قانون با عدم انجام وظایف خود مشمول ضمانت اجرای ماده (۲۵) همین یعنی محرومیت از عضویت در شورا خواهند شد. هر چند اطلاع به یک مرجع ممکن است باعث اعمال کیفیات مخفیه در مورد آن‌ها گردد.

۶-۱ واژگان «فوراً» و «همزمان»: علی رغم ذکر قید «فوراً»، موضوع بایستی به مقام بالاتر نیز گزارش شود؛ اگر چه این گزارش به مقام بالاتر طول کشیده و با قید فوریت مغایرت داشته باشد. هم چنین بایستی همزمان با گزارش موضوع به مقام بالاتر در محل کشت حاضر شوند، ذکر حرف (واو) بین واژه «فوراً» و «همزمان» مؤید این مطلب است.

۷-۱ حروف «یا» و «و»: به اتفاق دهمدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا؛ بنابراین صرف حضور دهمدار یا بخشدار کافی بوده و نیازی به حضور هر دو نیست. هر چند با

توجه به این که از لحاظ سلسله مراتب، دهدار زیر نظر بخشدار می باشد بهتر بود که وجود هر دو در محل کشت ضروری دانسته می شد.

حضور دهدار به دلیل کشت مواد مخدر در محدوده تحت نظر و بخشدار به دلیل نظارت او بر عملکرد دهدار لازم است.

۱-۸ واژه امحاء: ایراد قابل توجه وارد به ماده (۲۴) وارد این است که قانون گذار به مأمورین نیروی انتظامی اجازه داده به همراه دیگر مقامات ذکر شده در ماده مزبور اقدام به امحای محصولات کشت شده نمایند. در ماده (۱) تصویب نامه، در مورد امحای مواد افیونی و مخدر «مصبوب ۵۸/۲/۱۰ آمده است کلیه مواد مخدر اخذ شده از مرتکبین قاچاق در این ماده چنان چه غیر قابل مصرف پزشکی و یا آزمایشگاهی باشد، در حضور هیأتی مرکب از دادستان شهرستان مرکز استان، رئیس اداره نظارت بر مواد مخدر، رؤسای شهرداری و ژاندارمری و مدیر کل دارایی استان یا نمایندگان آن ها معدوم و مراتب در صورت جلسه منعکس می گردد.

حال با وجود این همه تشریفات ذکر شده برای امحای مواد مخدر جای بسی تعجب است که چگونه قانون گذار در ماده (۲۴) «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» به نیروی انتظامی اجازه داده تنها با حضور بخشدار یا دهدار و نماینده شورای اسلامی شهر و روستا اقدام به امحای مواد مخدر نماید؛ در حالی که ابتدا بایستی بررسی شود آیا این مواد برای مصرف پزشکی و دارویی مورد نیاز هستند یا خیر.

همین طور در ماده (۳) «لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین» مصوب ۵۹/۳/۱۹ ذکر شده بود کدخدا در صورت اطلاع از کشت خشخاش در محدوده‌ی تحت نظرش بایستی مراتب را به نزدیک ترین پاسگاه ژاندارمری خبر دهد و رئیس پاسگاه مکلف است به همراه کدخدا، روحانی و دو نفر معتمد و شخص متهم به کشت، کشت را محو نماید و مراتب را به مرجع قضایی ذی صلاح

اطلاع دهد. در این ماده نیز حضور افراد بیشتری نسبت به ماده (۲۴) برای امحاء لازم دانسته شده است.

شایسته بود قانون گذار مأموران نیروی انتظامی را مکلف به محافظت و حصار کشیدن اطراف کشت می کرد تا تکلیف آن با دستور مرجع قضایی صالح معلوم می گشت.

علاوه بر این ممکن است مواد برای مصرف پزشکی و دارویی مورد نیاز باشد که مأموران نیروی انتظامی قادر به تشخیص این امر نخواهند بود. بنابراین بهتر است در این ماده مقرر گردد که در صورت امکان اختصاص این مواد برای مصرف دارویی از امحای آن خودداری گردد. به علاوه مرجع ذی صلاح برای تشخیص این مورد نیز باید ذکر شود.

۱-۹ اصطلاح مراجع ذی صلاح قضایی: منظور از مراجع ذی صلاح قضایی کدام است؟ آیا منظور دادسرا و دادگاه انقلاب است که طبق ماده (۵) «قانون تشکیل دادگاه های عمومی انقلاب با اصطلاحات بعدی» مصوب ۱۳۸۱ صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به مواد مخدر را دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، با توجه به این که دادگاه های مزبور معمولاً در مراکز

استان ها یا در مناطقی که ضرورت آن را رئیس قوه قضائیه تشخیص می دهد، تشکیل می شوند، اگر در محدوده مورد نظر دادگاه انقلاب وجود نداشت در این صورت انتقال متهمان به دادگاه انقلاب ذی صلاح چگونه توسط مأمورین نیروی انتظامی صورت می گیرد؟ آیا خود راساً متهم یا متهمین را به دادسرای دادگاه انقلاب می برند یا مثلاً از طریق مرجع قضایی واقع در محدوده کشت مواد مخدر مذکور در ماده (۲۴) اقدام می کنند؟ به نظر می رسد منظور از مرجع قضایی ذی صلاح مرجعی نیست که صلاحیت رسیدگی به جرم (مواد مخدر) را دارد بلکه منظور همان مرجع قضایی ای است که آن محدوده را زیر پوشش دارد؛ اگر چه دادگاه عمومی باشد که این مطلب مغایر صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم مواد مخدر است. هر چند تحویل متهمان به دادگاه عمومی واقع در محدوده کشت می تواند بدین علت باشد که این دادگاه اقدامات قانونی مورد نیاز را برای فرستادن متهمان به دادگاه انقلاب ذی صلاح انجام دهد.

در این صورت دادگاه عمومی مستقر در محل کشت نیز می تواند یک مرجع قضایی ذی صلاح برای انتقال متهمین به آن باشد البته در صورتی که دادگاه انقلاب در آن محدوده وجود نداشته باشد. بنابراین بهتر است که قانون گذار دقیقاً منظور از مراجع قضایی ذی صلاح در آخر ماده (۲۴) را مشخص نماید.

تجربیات سال های گذشته
در ایران و سایر کشورها در زمینه
قاچاق مواد مخدر و درمان معتادان
نشانگر این است که نتایج ماصله
چندان رضایت بخش نبوده، لذا علاوه
بر توسل به مجازات و ضمانت
اجراهایی که پس از ارتکاب جرم
به کار برده می شود بایستی
به پیشگیری هم توجه گردد.

۱-۲ کشت یا روئیده: در تبصره، واژه روئیدن هم ذکر شده در حالی که در خود ماده فقط کشت آمده است. بایستی توجه کرد که کاشتن در نتیجه عمل انسانی و کشت حاصل کار و فعالیت یک عامل انسانی است. معانی روئیدن از نظر واژه شناسی عبارت است از:
۱- نمو کردن نباتات، بالیدن؛
۲- رشد کردن عضو از انساج حیوانی،

رویدن دانه ها، رویدن موها.^(۱۱) در هیچ کدام از این معانی دخالت یک عامل انسانی مشاهده نمی شود. بنابراین کشت با رویدن تفاوت دارد و در هر دو مورد در صورت اطلاع بایستی مراتب اعلام گردد. بهتر بود قانون گذار در خود ماده نیز رویدن را ذکر می کرد.

۲-۲ مأمورین نیروی انتظامی به موجب بند «۸» ماده قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران «یکی از وظایف نیروی انتظامی پیشگیری از وقوع جرایم است و اشاره ای که در ماده (۲۴) «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» به نیروی انتظامی شده، در راستای این وظیفه می باشد. قانون گذار در واقع به نقش این نیرو در کنترل خرید و فروش و اعتیاد به مواد مخدر توجه کرده است.^(۱۲) ماده (۱۵) «قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری» مصوب ۱۳۷۸ در بیان انواع ضابطان،^(۱۳) نیروی انتظامی را در صدر ضابطان ذکر کرده و این نشان از اهمیت این نیرو در پیشگیری از جرم است.

۳-۲ مأمورین شهرداری: در قوانین ایران از مأمورین شهرداری تعریفی به عمل نیامده است. برای روشن شدن معنای آن ابتدا بایستی به تبیین مفهوم مأمور پردازیم. از لحاظ واژه شناسی مأمور کسی است که او را به کاری

گذاشته باشند و هم چنین در معانی فرمان داده و امر کرده شده نیز آمده است.^(۱۴) اگر قائل باشیم مأمور کسی است که در حالت مأموریت به سر می برد می توانیم برای تعریف آن ابتدا حالت مأموریت را مشخص نماییم. مواد (۱۱) و (۱۲) و «قانون استخدام کشوری» و آیین نامه «مأموریت» در مقام تعریف حالت مزبور، آن را وضع را مستخدمی دانسته که به طور موقت وظیفه ای غیر از وظیفه اصلی اش به عهده دارد و در این مدت از حقوق و مزایای پست سازمانی اش استفاده می نماید، بنابراین مأمور کسی است که در حالت مأموریت به سر می برد.^(۱۴)

تمویب مقرراتی دقیق و بدون ابهام با زبانی ساده و صریح سبب می شود که افراد مشمول آن قانون تکلیف خود را دقیقاً متوجه شده و در نتیجه با اجرای آن ممیطن امن و قانون مند برای جامعه خود به ارمغان بیاورند.

امادر مقابل مأموران به خدمت عمومی که شهردارها را نیز در برمی گیرد (عبارتند از کسانی که با یکی از سازمان های عمومی برای تحقق یک خدمت عمومی یا برآوردن نیاز عمومی همکاری می کنند و ممکن است افرادی ثابت و ساکن باشند که از پشت میزها اتخاذ تصمیم می نمایند).^(۱۵)

پس اگر مأمورین شهرداری را مستخدمینی

فرض نماییم که به طور موقت وظیفه ای غیر از وظیفه ای اصلی شان بر عهده دارند، در این صورت تعداد کمی از مستخدمینی شهرداری در این وضعیت به سر می برند.

علاوه بر این که در حالت مأموریت، مأموریت از یک وزارتخانه و مؤسسه عمومی به یک وزارتخانه یا مؤسسه عمومی دیگر است و بدین ترتیب این ماده آن دسته از مستخدمین شهرداری را که به آن ها انجام مأموریت در سطح شهر محول شده، در بر نمی گیرد؛ در حالی که در این مورد امکان آگاهی از کشت مواد مخدر بیشتر است.

اما با توجه به تعریف مأموران به خدمت عمومی می توان مأموران شهرداری را کسانی دانست که خدمت عمومی انجام می دهند؛ اعم از این که پشت میز باشند یا کارشان در سطح شهر انجام گیرد. به نظر می رسد منظور قانون گذار از مأمورین شهرداری ذکر شده در ماده (۲۴)، انواع مستخدمان ماده (۲) «آیین نامه استخدامی شهرداری کشور» مصوب ۸/۱۵/۸۱ می باشد؛^(۱۶) اعم از این که محل کارشان در خود ساختمان شهرداری یا در سطح شهر باشد. در واقع ویژگی خاص این نهاد عمومی و اداره شهر توسط آن و همین طور تردد برخی از مأمورین آن در محدوده شهر جهت انجام وظیفه موجب گردیده مأمور شهرداری، مورد توجه قانون گذار در ماده (۲۴) قرار گیرد.

شایسته که قانون گذار معنا و مفهوم مأمورین شهرداری را به طور دقیق روشن می ساخت.

۴-۲ «مأمورین نیروی مقاومت بسیج»: ماده (۱) «قانون حمایت قضایی از بسیج» مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۱ نیروی می دارد: «به بیان مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می شود همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آن ها و یا اعلام نیاز به آنان به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار





اگر چه فقط یکی از آن‌ها کشت را اطلاع داده باشند. بهتر بود قانون گذار این مطلب را نیز مشخص می کرد.

۶-۲ مرجع قضایی ذی صلاح: همان ایراداتی که در خود ماده ذکر شد در این جا هم وارد است و نیازی به ذکر مجدد آن نیست.

۱-۳ نکته اول این که قانون گذار در تبصره، اشاره‌ای به شورای اسلامی شهر نکرده است. دلیل قانون گذار برای تفاوت بین شهر و روستا روشن نیست و این در حالی است که تکلیف شورا به اعلام کشت سبب نظارت و کنترل بیشتر بر امور شهر و مبارزه مؤثرتر با مواد مخدر می شود.

۲-۳ نکته دوم این که قانون گذار طریق اعلام را ذکر نکرده است؛ بر خلاف خود ماده که شیوه آن را «کتبی» بیان کرده، در تبصره اشاره‌ای به این مطلب نشده است.

در این جا دو تفسیر می توان ارائه داد:
الف) چون طریق اعلام تصریح نشده، پس هم می توان کتبا و هم شفاهاً اعلام کرد و یا هر دو صورت را با هم انجام داد.

ب) از آن جایی که در خود ماده شیوه اعلام کتبی ذکر شده با وحدت ملاک می توان بیان داشت که در تبصره نیز روش اعلام مانند خود ماده کتبی است؛ ولی تعبیر دوم موجه تر به نظر می رسد.

۳-۳ نکته می آخر این است که آیا تکلیف مقرر شده بر افراد مشمول ماده و تبصره مذکور در زمانی است که این افراد در حال انجام وظیفه و یا در ساعات اداری کار خود هستند یا خیر؟ اگر به عنوان مثال در مرخصی باشند یا ساعات کاری آن‌ها به پایان رسیده در این جا هم اگر اطلاع به کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه پیدا کردند، موظفند مراتب را اعلام نمایند. از یک سو اگر گفته شود چه در حال انجام وظیفه باشند یا نباشند در صورت آگاهی از کشت موظف به اعلام می باشند، در این صورت مبارزه مؤثرتری علیه قاچاق مواد مخدر و اعتیاد اتخاذ شده است. از سوی دیگر این افراد در زمان مرخصی مانند

متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات لازم را به عمل آورند»

با توجه به این ماده، مواردی که نیروی مقاومت بسیج می تواند در مورد جرایم مشهود اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد؛ عبارتند از:

- ۱- عدم حضور ضابطین دیگر (اعم از ضابطین عام، خاص و نظامی)؛
- ۲- یا عدم اقدام به موقع آن‌ها؛
- ۳- یا اعلام نیاز آنان

با این وجود، ماده (۲۴) مأمورین بسیج را در کنار مأمورین نیروی انتظامی (به عنوان ضابط عام) و نیز مأمورین شهرداری (به عنوان ضابط خاص) بدون ذکر شرایط در ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج، صالح شناخته تا در صورت اطلاع از کشت خشخاش، کوکا، و یا شاهدانه در محدوده تحت نظر خود مراتب را اطلاع دهند. این امر سبب مبارزه مؤثر تر علیه قاچاق مواد مخدر و اعتیاد می گردد، اما در عین حال ممکن است موجب تداخل وظایف نیروی بسیج با سایر مأمورین که به موقع حضور پیدا کرده و اقدامات قانونی لازم را به عمل آورده‌اند، گردد. پس بهتر است قانون گذار در ماده (۲۴) اقدام مأمورین بسیج را به عدم حضور و اقدام به موقع سایر مأمورین مذکور در این ماده موقوف نماید.

۵-۲ مسئولان مربوطه: منظور از مسئولان مربوطه چه کسانی هستند؟ آیا منظور مأمورین شهرداری یا نیروی انتظامی مقاومت بسیج است؛ یعنی هر کدام که کشت را اطلاع داده باشند به همراه مراجع قضایی ذی صلاح اقدام قانونی لازم را انجام می دهد؟ یا این که منظور هر ۳ دسته مأمور مذکور در تبصره ماده (۲۴) می باشد.

اعضای شورای اسلامی روستا،
مأمورین شهرداری، نیروی انتظامی و
بسیج مکلف شده‌اند به ممض اطلاع
از موضوع کشت، مراتب را اعلام
نمایند و در صورت عدم اعلام به
مجازات های مقرر در ماده (۲۵)
قانون مزبور محکوم فوهند شد.

سایر افراد عادی جامعه هستند و مزیتی نسبت به سایر افراد ندارند که تکلیفی بیشتر بر آن‌ها بار شود. علاوه بر این، دلیل این که قانون گذار تکلیف مقرر در ماده (۲۴) و تبصره آن را بر اشخاص مزبور تحمیل کرده و ویژگی خاص شغل آن‌هاست که ناشی از اداره شهر و روستا زیر نظر آن‌ها یا تردد آن‌ها در سطح شهر و روستا به سبب انجام وظیفه می‌باشد که این ویژگی در زمان مرخصی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که برداشت دوم منطقی تر و عادلانه تر است؛ زیرا زمانی که این افراد در حین انجام وظیفه نیستند و قشبان متعلق به خودشان بوده و هیچ مسئولیت قانونی به سبب شغلشان بر آن‌ها بار نمی‌شود.

نتیجه گیری:

مشارکت عموم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل نگرانی‌ها و ارتقای کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری است که به همه افراد

جامعه مربوط می‌شود. در همین راستا مصوبه «مبارزه با مواد مخدر» ۱۳۷۶ قابل توجه است. اعضای شورای اسلامی روستا، مأمورین شهرداری، نیروی انتظامی و بسیج مکلف شده‌اند به محض اطلاع از موضوع کشت، مراتب را اعلام نمایند و در صورت عدم اعلام به مجازات‌های مقرر در ماده (۲۵) قانون مزبور محکوم خواهند شد.

وظیفه محول شده به افراد مذکور در ماده (۲۴) علاوه بر این که سبب امحای مواد مخدر قبل از قاچاق و توزیع آن بین اعضای جامعه می‌شود، به صورت غیر مستقیم نیز منجر به مبارزه با اعتیاد و پیشگیری از آن می‌گردد.

تجربیات سال‌های گذشته در ایران و سایر کشورها در زمینه قاچاق مواد مخدر و درمان معتادان نشانگر این است که نتایج حاصله چندان رضایت بخش نبوده، لذا علاوه بر توسل به مجازات و ضمانت‌اجراهایی که پس از ارتکاب جرم به کار برده می‌شود بایستی به پیشگیری

هم توجه گردد. پیش بینی ماده (۲۴) در راستای توجه به همین امر بوده که متأسفانه بی‌دقتی قانون گذار در تقریر متن قانونی، آن را با ایرادات متعددی روبرو ساخته که ممکن است اجرای ماده را در عمل با مشکلاتی مواجه سازد.

تصویب مقرراتی دقیق و بدون ابهام با زبانی ساده و صریح سبب می‌شود که افراد مشمول آن قانون تکلیف خود را دقیقاً متوجه شده و در نتیجه با اجرای آن محیطی امن و قانون‌مند برای جامعه خود به ارمغان بیاورند.

این امر وظیفه قانون گذار است که با رفع اشکالات موجود در ماده مقرراتی روشن وضع کند تا شوراها و شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها که روستاها و شهرها زیر نظر آن‌ها اداره می‌شود و همین طور سایر افراد مذکور در ماده (۲۴) با شناخت دقیق وظایف خود، نقش مهمی در راه مبارزه با قاچاق مواد و اعتیاد ایفاء کنند و بدین ترتیب، بستر ایجاد جامعه‌ای سالم و امن فراهم گردد.

بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳.

۱۲- برای آگاهی بیشتر ر.ک: آشوری محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، انتشارات سمت، ص ۱۲۰-۱۱۵.

۱۳- معین، دکتر محمد، همان، ص ۳۷۵۷-۳۷۵۶.

۱۴- ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، انتشارات توس، ۱۳۷۶، ص ۱۲-۱۳.

۱۵- همان، ص ۱۵۹-۱۵۸.

۱۶- ماده (۲): «مستخدمین شهرداری‌ها از نظر استخدامی به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مستخدم ثابت که به موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های جدول حقوق موضوع ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحات بعدی آن برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی بر اساس آیین‌نامه استخدامی شهرداری استخدام شده باشند.

ب) مستخدم رسمی که بر اساس قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن در شهرداری استخدام شده باشند.

پ) مستخدم موقت که به موجب قرارداد برای مدت و کار مشخص به استخدام شهرداری درمی‌آید. مقررات استخدامی این قبیل مستخدمان و تغییرات بعدی آن توسط وزارت کشور تهیه و با موافقت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اجرا خواهند شد.

ت) کارگران شهرداری که مشمول قانون کار، مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحات بعدی آن هستند».

۱- لازرو، کریستین، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات یلدا، ۱۳۷۵، ص ۱۳-۱۲.

۲- نجفی برنآبادی، علی حسین، درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، همایش بین المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳- طفرانگار، حسن، آموزش قوانین و مقررات مربوط به مواد مخدر و آیین دادرسی کیفری در حیطه زندان بانی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹.

۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، چاپ ششم، ۱۳۶۳، ص ۲۹۸-۲۹۷.

۵- روستا واحد مبدأ یعنی اساس تشکیل واحدهای تقسیمات کشوری است.

۶- مکان، واحدهای غیر کشاورزی مانند کارخانه، ایستگاه، کارگاه و نظایر آن می‌باشد.

۷- مزرعه، واحد کشاورزی است.

۸- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۹۶-۹۷.

۹- وظایف و اختیارات ده‌دار و دهیار در قانون تقسیمات کشوری و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مقرر شده است.

۱۰- معین، دکتر محمد، همان، ص ۱۶۹۷.

۱۱- برای آگاهی بیشتر ر.ک: فرجیها، محمد، ارزیابی مداخله پلیس در کنترل